

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تقیه
موضوع جزئی: آثار تقیه (حکم وضعی) - مقام دوم - جهت اول: اجزاء - اقوال
تاریخ: ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸
مصادف با: ۱۷ شعبان ۱۴۴۰
جلسه: ۴۴

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

مقام دوم

در مورد آثار تقیه و حکم وضعی آن عرض کردیم که در دو مقام بحث می‌کنیم. بحث در مقام اول پیرامون ترک عمل علی وجه التقیه و بحث در این بود که ترک تقیه آیا موجب فساد عمل هست یا نه.

در مقام دوم هم بحث در دو جهت است:

جهت اول: تارةً از حیث خصوص اثر قضا و اعاده و اینکه این فعلی که مخالف با حق و واقع صورت گرفته، آیا مجزی است و اعاده لازم ندارد اگر تقیه مرتفع شود در داخل وقت، و اگر در خارج وقت شرایط تقیه از بین رفت، قضا ندارد یا اینکه مجزی نیست و قضا و اعاده لازم است.

جهت دوم: اُخری از حیث ترتب بقیه آثار صحت؛ مثلاً اگر کسی وضوی تقیه‌ای گرفت آیا بعد از ارتفاع شرایط تقیه اثر وضوی صحیح که عبارت از رفع حدث باشد، بر این وضو مترتب هست یا نیست.

پس دو جهت مورد نظر است، یکی از حیث قضا و اعاده آن عمل که آیا مجزی هست یا نیست و دوم اینکه آیا اگر این عمل را انجام داد، غیر از اعاده و قضا سایر آثار مترتب می‌شود یا نه مثلاً با آن وضو می‌تواند نمازهای بعدی را بخواند ولو اینکه شرایط تقیه هم نباشد. این دو جهت عمده در مقام ثانی است.

جهت اول: اجزاء

درباره جهت اولی که آیا اتیان مأمورٌ به علی وجه التقیه موجب اجزاء هست یا خیر، اختلاف است. معنای اجزاء این است که بعد از ارتفاع تقیه دیگر قضا و اعاده لازم ندارد.

تنقیح موضوع بحث

قبل از هر چیز یک نکته‌ای که به تنقیح موضوع بحث کمک می‌کند، لازم است اشاره شود و آن اینکه به طور کلی تقیه گاهی اقتضاء می‌کند که عمل بدون جزء یا شرط یا به همراه یک مانع اتیان شود. مثلاً نماز را بدون سوره بخواند یا با غروب آفتاب افطار کند و یا مثلاً یوم الترویة در عرفه وقوف داشته باشد و یا مثلاً شب عرفه در مشعر مبيت داشته باشد. گاهی تقیه اقتضاء اتیان عمل دارد در حالی که فاقد یک جزء و یا شرط است و یا واجد یک مانعی است. در این صورت عمل ترک نمی‌شود منتهی یک نقصی در عمل از این حیث وجود دارد و این هم بخاطر تقیه است. گاهی از اوقات تقیه اقتضاء ترک مأمورٌ به را دارد، مثلاً در روزی که او معتقد است آن روز ماه رمضان است، عامه عید گرفته‌اند و او ناچار

است عمل را ترک کند و یا مثلاً یک نمازی و یا یک واجبی را رأساً ترک کند. آنچه که ما در اینجا درباره آن بحث می‌کنیم قسم اول است یعنی اینکه عمل بخاطر تقیه فاقد یک جزء یا شرط است و یا واجد یک مانعی است اما اگر عمل رأساً ترک شود، اینجا دیگر معنا ندارد که ما بحث از اجزاء کنیم که آیا این عمل مجزی است یا خیر؟

اقوال

اقوال در اینجا مختلف است. عمدتاً در اینجا دو قول ذکر شده است. یکی قول محقق ثانی و یکی هم شیخ انصاری. **قول اول:** محقق ثانی قائل شده است به تفصیل بین ما إذا وَرَدَ فِيهِ نَصٌّ بَخْصُوصِهِ و بَيْنَ مَا إِذَا لَمْ يَرِدْ فِيهِ نَصٌّ بَخْصُوصِهِ. اگر جایی بخصوص نصّی وارد شده باشد مبنی بر تقیه، این عمل صحیح و مجزی است به شرط اینکه عمل را بر طبق همان وجهی که مآذون^۱ فیه است انجام دهد چون شارع خودش این عمل را جانشین مأمور^۲ به واقعی کرده است یعنی كَأَنَّ شَارِعَ وَظِيفَهُ مَكْلَفٌ رَا اِتْيَانَ عَمَلِ عَلِيٍّ وَجِهَ التَّقِيَةِ قَرَارِ دَادِهِ اسْت. در این صورت این عمل صحیح و مجزی است. محقق ثانی حتی ادعا کرده است لا خِلَافَ فِيهِ بَيْنَ الْأَصْحَابِ. اما اگر نصّی به خصوص وارد نشده باشد، مانند صلاة إلى غير القبلة و یا وضو بالنبيذ و یا إخلال به موالات به صورتی که آن رطوبت‌ها خشک شود، اینجا لا يكون العمل مجزئاً^۱. **قول دوم:** مرحوم شیخ با نظر محقق ثانی مخالفت کرده است، ایشان به طور کلی میفرماید که اجزاء مبتنی بر این است که آن فعل مآذون از طرف شارع باشد، منتهی اذن به دو صورت است گاهی اذن خاص وارد شده است مانند اذن در خصوص مسح علی الخُفَّيْنِ که در صحیحۃ ابی و رد وارد شده است.^۲

گاهی هم اذن عام وارد شده است، مثل التَّقِيَةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَضُرُّ إِلَيْهِ ابْنِ آدَمَ و امثال آن. در این مورد اذن عام داده شده است که در هر عبادتی اگر تقیه ایجاب کند، مجاز هستید به اتیان عمل علی وجه التقیه. مرحوم شیخ میفرماید: اذن ، کأنه این مسئله را از صغریات اجزاء قرار می‌دهد. اذن به به طور کلی چه اذن عام باشد و چه خاص باشد، ایجاب می‌کند که آن فعل مأمور^۲ به شود از روی اضطرار و لذا بحث می‌شود از اینکه آیا فعل اضطراری مجزی از فعل واقعی هست یا نیست. پس این اذن در واقع موضوع را از صغریات مسئله اجزاء قرار می‌دهد. گاهی هم انضمام دو نوع دلیل می‌توانیم این اجازه را بدست بیاوریم. مثلاً یک نوع از ادله به ما امر کرده‌اند به عمل عبادی مثلاً امر کرده‌اند به خواندن نماز یا هر عبادت دیگری. نوع دوم اوامر عامه‌ای هستند که در مقام امر به تقیه وارد شده‌اند مانند التَّقِيَةُ دِينِي و دِينُ آبَائِي. اینجا بحث است که آیا با انضمام نوع دوم به نوع اول از ادله می‌توانیم استفاده کنیم که این فعل متقی به مأمور^۲ به اضطراری است یا نه؟ اگر از این دو به دست آمد که این مأمور^۲ به اضطراری است، قهراً می‌شود از صغریات مسئله اجزاء. اما اگر گفتیم که این انضمام موجب نمی‌شود که ما این عمل را به عنوان مأمور^۲ به اضطراری بشناسیم، قهراً دیگر از صغریات مسئله اجزاء

۱. رسالت محقق کرکی ج ۲ ص ۵۲.

۲. تهذیب ج ۱ ص ۳۶۲ حدیث ۱۰۹۲. استبصار ج ۱ ص ۷۶ حدیث ۲۳۶. وسائل الشیعة ج ۱ ص ۴۵۸ باب ۳۸ از ابواب وضو حدیث ۵.

محسوب نمی‌شود. پس ممکن است اذن نه به نحو عام و نه به نحو خاص اما از انضمام و ترکیب دو دسته از ادله، بدست آید.^۱

ما فعلاً وارد بحث شیخ نمی‌شویم که آیا از انضمام این دو دلیل می‌توانیم اذن استفاده کنیم یا خیر چون باید دید که آیا ادله تقیه ناظر به همه ادله هست یا نیست. این مهم است. ممکن است کسی در عمومیت نظارت ادله تقیه به همه ادله اولیه اشکال داشته باشد.

بعضی از بزرگان مانند مرحوم بجنوردی، اساساً در مورد استناد این تفصیل به محقق ثانی تشکیک کرده است و می‌گوید انصاف این است که نمی‌توان چنین تفصیلی را به چنین محققى که از اساطین فقه است نسبت داد و بعد ایشان توجیه می‌کند که چه بسا آن اخبار عامه اساساً ناظر به وجوب تقیه و حرمت ترک‌اند نه اینکه ایشان نظرشان فقط این تفصیل باشد.^۲ به هر حال این یک منظر است برای بررسی مسئله اجزاء در جایی که عمل علی وجه التقیه انجام شود.

به هر حال ورود و عدم ورود اذن یک منظر به بحث است، لکن منظر دیگر این است که اساساً مفاد ادله رأساً مورد توجه قرار گیرند.

امام (ره) اساساً از این زاویه وارد بحث نشده‌اند. بلکه رأساً خود ادله را بررسی کرده‌اند. به نظر می‌رسد این نحوه ورود که امام (ره) در این بحث دارند، از جهتی اولی باشد؛ یعنی اساساً ما به دنبال این نباشیم که آیا اذن خاص و عام وجود دارد یا نه. ما مقتضای ادله را باید ببینیم و باید نهایت دلالت ادله تقیه را بررسی کنیم. ادله‌ای که وجوب و مشروعیت تقیه را ثابت کرده‌اند، باید دید که چه اقتضایی دارند، آیا آن ادله دلالت می‌کند بر کفایت این عمل و یا چنین دلالتی ندارد.

کلام امام خمینی

بر این اساس امام میفرماید ادله تقیه بر سه قسم است: یک قسم دلالت می‌کند بر اجزاء در تقیه اضطراری. عبارت امام این است: *فی ذکر ما دلّ علی أنّ اتیان المأمور به علی وجه التقیه یوجبُ الإجزاء و لا تجب بعد رفعها الإعادة و القضا و هی کثیرة و علی طوائف: منها ما دلّت علی الإجزاء فی التقیه الإضطراریّة من ای سبب حصل الإضرار و منها ما دلّ علیه فیما یقتضی عنوان التقیه اتیان المأمور به علی خلاف الحق و منها ما دلّت علیه فی التقیه المداراتیّة؛ قسم دوم آن ادله‌ای است که دلالت می‌کند بر اجزاء در آن چیزی که عنوان تقیه اقتضاء می‌کند که مأمور به علی خلاف الحق بیاید. طبق این بیان دیگر لازم نیست ما بیایم ادله را به عنوان اینکه اذن عام داده‌اند یا اذن خاص داده‌اند بررسی کنیم، اصلاً نگاه و ورود ایشان به بحث متفاوت است با ورود محقق ثانی و شیخ انصاری.*

۱. رسائل فقهیه در ضمن تراث شیخ اعظم ص ۸۳ و ۸۴.

۲. قواعد الفقّهیه ج ۵ ص ۵۷.

طائفه اول

برخی از ادله به نظر ایشان دلالت بر اجزاء دارند در تقیه اضطراری ایشان یک سری از احادیث و روایات را جزء این قسم قرار داده است از جمله حدیث رفع. مسئله این است که هر دلیلی که در آن عنوان ضرورت و اضطرار وارد شده است اعم از اینکه منشأ آن تقیه باشد یا غیر تقیه قابل ذکر است حدیث رفع دلیلی است که مربوط به تقیه بخصوص نیست و اینکه اضطرار موجب تقیه شده باشد، منحصر به این نیست بلکه هر جا که اضطرار و ضرورت باشد جاری است یکی از آن‌ها تقیه است.

حدیث رفع: «رُفِعَ عَنِ امَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَأُ، وَالنِّسْيَانُ، وَمَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يَطِيقُونَ، وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَالْحَسَدُ، وَالطَّيْرَةُ، وَالتَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسَةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفَقَةٍ»؛ البته این روایت نقل‌های زیادی دارد. در باب حدیث رفع بحث بسیار است، اینکه دلالتش چگونه است و استدلال به این روایت در مواضع مختلف فرق دارد، اما یکی از اموری که در اینجا رفع شده، ما اضطرُّوا إليه است. اینجا مهم است که چه چیزی رفع شده، آیا جمیع الآثار رفع شده، یا خصوص مؤاخذه بر این امور رفع شده، یا اثر متناسب با هر یک از این امور رفع شده که در اینجا اقوال مختلف است. قطعاً در تقریب استدلال به این روایت این احتمالات و اقوال بی تأثیر نیست. حال چگونه می‌توان به این روایت استدلال کرد و بررسی آن را در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»